

مروری اجمالی بر آثار
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران بر شیعیان لبنان

تأثیرات ایران بر کشور رنگ‌ها

مهدی بهرامی

منطقه خاورمیانه اکثریت قریب به اتفاق شیعیان جهان را در خود جای داده است و اماکن و کانون‌های مذهبی و فرهنگی آنها نیز همگی در همین منطقه استراتژیک واقع شده‌اند؛ از این رو از دیرباز ارتباطات و تعاملات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی بسیاری میان آنان برقرار بوده است؛ به‌ویژه در بین شیعیان ایران، عراق، پاکستان و لبنان به‌منزله پایگاه‌های اصلی تشیع. در این میان ارتباط‌های شیعیان ایران و لبنان که سابقه‌ای دیرینه دارد در خور توجه است. در نوشتار حاضر تلاش شده است تأثیرات ایران بر لبنان، به‌ویژه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، بررسی شود.

ورود علمای بزرگی همچون شیخ بهایی و شیخ حرعاملی از جبل عامل لبنان به ایران، که هر کدام سرمنشأ فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بودند، باعث شد کم‌کم نقطه‌چین‌هایی که هم‌اکنون در نقشه‌های جغرافیایی از آنها با عنوان مرز یاد می‌شود در ذهن مردم مسلمان، که پیوندهای فرهنگی هم‌سویی داشتند، رنگ بپازد و بیشتر از آنکه به این علما و فعالیت‌هایشان از دید ملیتی و قومیتی نگاه شود، از بعد خدمت‌رسانی به اسلام و ارتقای جایگاه مسلمانان نگریسته شود.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل کشوری به اسم لبنان — که همچون بعضی از کشورهای همسایه‌اش، از استعمار فرانسوی‌ها رنج می‌برد — قومیت‌های فراوانی تلاش کردند قدرت از دست‌رفته خویش را در این کشور کوچک احیا کنند. در این بین شیعیان، که در فقر شدیدی به سر می‌بردند و دستشان از همه چیز کوتاه شده بود، مجبور بودند در زیر سایه رقابت گروه‌های دیگر به سختی روزگار بگذرانند. همین عامل سبب شد این‌بار ایرانی‌ها با همان نگاهی که سال‌ها پیش شیخ بهایی و حرعاملی و دیگر علمای بزرگ جبل عامل نسبت به شیعیان ایران داشتند، به کمک هم‌مذهبان‌شان در لبنان بیایند و هویت مخدوش‌شده آنها را بازسازی کنند.

سید موسی صدر، که بعدها حتی در میان دیگر مذاهب و طوایف به «امام و مسیح و پیامبر صلح لبنان» شناخته شد، نخستین ایرانی تأثیرگذار بود که با ورودش به لبنان جان تازه‌ای به روح نیمه‌جان شیعیان مظلوم این کشور بخشید. سید موسی با انتخاب شهر صور به منزله پایگاه خویش کوشید با تجمع شیعیان در یک مکان، قدرت پراکنده آنها را در یک نقطه متمرکز کند و فعالیت‌هایشان را سروسامان دهد.

ایجاد جمعیت‌های احسان و نیکی، تأسیس مؤسسه‌های خیریه و سرپرستی ایام، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، ایجاد مراکزی برای توانمندسازی و برپایی مراکز علمی و فرهنگی در گام نخست باعث شد مردم جنوب دیگر نیازمند نان شب خود نباشند. وحدت میان شیعه و سنی از دیگر ارمغان‌های سید ایرانی برای مردم همسایه مدیترانه بود. نقل است در یکی از میهمانی‌های

افطار رئیس‌جمهوری لبنان، که شیعیان و اهل سنت بر سر یک سفره نشسته بودند، همه شیعیان چشم دوخته بودند تا ببینند رفتار امام موسی در قبال اهل تسنن، که افطار را هنگام غروب آفتاب باز می‌کنند، چیست. امام موسی در میان تعجب تمامی شیعیان هنگام غروب آفتاب یک استکان چای به دست گرفت و شروع کرد به خواندن دعا. آن قدر دعا خواند تا اذان دادند و وقت افطار شد.

درشتی حک شده است: «الشهید القائد الدكتور مصطفی شمران». گفتنی است «شمران» نامی است که هم‌اکنون بسیاری از نیروهای مقاومت به جای اسم مستعار نظامی خود از آن استفاده می‌کنند و تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل

پس از ربوده شدن امام موسی صدر و شکل‌گیری انقلاب بزرگ اسلامی در ایران، شیعیان لبنان، که از سال‌ها پیش تحت

سید موسی صدر، که بعدها حتی در میان دیگر مذاهب و طوایف به «امام و مسیح و پیامبر صلح لبنان» شناخته شد، نخستین ایرانی تأثیرگذار بود که با ورودش به لبنان جان تازه‌ای به روح نیمه‌جان شیعیان مظلوم این کشور بخشید.

تأثیر ایرانی‌ها قرار گرفته بودند، به حمایت از انقلاب ایران روی آوردند و حتی با راهاندازی کمیته‌های حامی انقلاب اسلامی ایران، تظاهرات تأییدآمیزی در کشورشان برگزار کردند. همین علاقه آنها به جمهوری اسلامی ایران سبب شد ایرانی‌هایی را که با فرستادن نیرو، به کمکشان شتافته بودند تا در مقابل تهاجم ارتش صهیونیستی سر خم نکنند، با آغوش باز بپذیرند؛ ایرانی که خود درگیر جنگ سختی با عراق به نمایندگی از استکبار جهانی بود. با ورود هم‌زمان حدود ۱۵۰۰ نفر از افراد سپاه پاسداران به شهرک «بعلبک»، «هرمل» و روستاهای منطقه «بقاع» و شروع آموزش‌های نظامی و عقیدتی، فصل دیگری از زیبایی‌های فرهنگ و اندیشه ایرانی — اسلامی بر روی مردم لبنان گشوده شد و حال و هوای ابتدایی انقلاب اسلامی ایران بر فضای لبنان حاکم گشت. تصاویر امام خمینی(ره) در کنار جملات «الموت لإمریکا» و «الموت لإسرائيل» در جای‌جای مناطق به چشم می‌خورد و به راحتی می‌شد جوان دارای پیشانی‌بندهای رنگی مزین به شعارهای مذهبی را از دیگران تشخیص داد. «جمعیه الامداد الخیریه الاسلامیه» نهاد دیگری است که به دستور حضرت روح‌الله و همت کمیته امداد امام خمینی در لبنان تأسیس شد. این نهاد دقیقاً همان کاری را در

لبنان انجام می‌دهد که کمیته امداد در ایران برعهده دارد. سرپرستی خانوارهای بی‌سرپرست یکی از وظایف مهم این جمعیت است که در حال حاضر تعداد بی‌شماری از مستضعفان را به زیر پوشش خود درآورده است.

مردم دلیر لبنان سال‌هاست که با وجود دست و پنجه نرم کردن با مشکلات داخلی خود، رژیم صهیونیستی را نیز در خط مقدم نبرد با خویش می‌بینند و تاکنون چندین مرتبه شجاعانه در برابر نیروهای تاین دندان مسلح این رژیم جلی و خونخوار، مقاومت کرده و ضمن رشادتهای کم‌نظیر و جانانه خود، شهدای بسیاری را نیز تقدیم آرمان‌های اسلام نموده‌اند. همین مسئله نیز سبب شد مؤسسه‌ای با عنوان «مؤسسه شهید» در این کشور تأسیس شود. وظایف این مؤسسه نیز همچون بنیاد شهید ایران، پیگیری امور خانواده‌های شهدا بود که هم‌اکنون نیز فعال است.

مدت‌هاست که دو حزب و به سخن بهتر دو قدرت بزرگ شیعی در لبنان، یعنی امل و حزب‌الله، در کنار یکدیگر خوندمایی می‌کنند و پیگیری امور شیعیان این کشور را برعهده دارند. گرچه اعضای حزب‌الله همان افراد حزب امل هستند که در بحبوحه رویدادهای دهه ۱۹۸۰ و تهاجم گسترده صهیونیست‌ها در ۱۹۸۲ م به لبنان، به دلیل اختلاف بر سر چگونگی روبرویی با دشمن خارجی، به‌ویژه مبارزه با رژیم صهیونیستی، از این حزب جدا شدند. هم‌اکنون مشترکات بسیاری میان این دو گروه وجود دارد که بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اعضای حزب امل، که در جنگ به‌یادماندن ۲۳ روزه همپای مقاومتان حزب‌الله جانانه جنگیدند و نزدیک به ۱۵۰ شهید در این راه فدای حفظ کشور و عقیده کردند، تقریباً همان راهی را می‌روند که حزب‌الله و رزمندگان‌شان در این چند سال به دبیر کلی سید حسن نصرالله می‌پیمایند. گرچه شاید عقیده به ولایت فقیه و پیروی از رهبری امام خامنه‌ای در میان حزب‌الله و طرفداران آن بیشتر به چشم بیایند، هیچ‌احدی نمی‌تواند رابطه خوب نیبه بری (رئیس حزب امل) و حزب امل را با ایران نادیده بگیرد و از مناسبات آنها با هم چشم پوشد؛ درست مثل رابطه‌ای که بعضی از علمای بزرگ لبنانی همچون آیت‌الله فضل‌الله و شیخ سعید شعبان با ایران داشتند و همواره از ایران و اندیشه‌های امام خمینی حمایت می‌کردند.

با قدم گذاشتن بر خاک سرزمینی که هر قومیت و تفکری در آن آهنگ خاصی را می‌نوازد و برای خودش جایگاه مشخصی را تعریف کرده و با این حساب این نقطه کوچک بر روی کره خاکی به «کشور رنگ‌ها» شهرت یافته است، می‌توان مشابهت‌های فرهنگ ایرانی را بیشتر از آنچه ذکر شد یافت. برگزاری مراسم معنوی همچون محرم و صفر، تجمع در مساجد و حلقه زدن بر گرد روحانی مسجد، تشیع پیکر شهیدا و اجرای بعضی از رژه‌های نظامی در کنار فعالیت‌های نهادهایی همچون جمعیت پیشاهنگان امام مهدی(عج)، که مانند نیروی بسیج در این کشور فعالیت می‌کنند، فقط گوشه‌ای از تأثیراتی است که به گونه‌ای می‌توان گفت ایران علت اصلی آنها بوده است. ■